

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۸۲

جمعه ۲۳ آبان ۱۳۹۳، ۱۴ نوامبر ۲۰۱۴

یادداشت‌های هفته

میر تقوایی

نفی قوانین ضد زن اسلامی :

یک دستاورد کوبانی!

روز جهانی اعتراض به خشونت مضاعف علیه زنان ایران!

صنعت دولتی مواد مخدر در ایران!

صفحه ۷

مخمصه دولت آمریکا

در سوریه

کاظم نیکخواه

صفحه ۵

چه کسانی مالیات می دهند؟

بهروز مهرآبادی

صفحه ۱۰

حراج زنان و کودکان

توسط داعش،

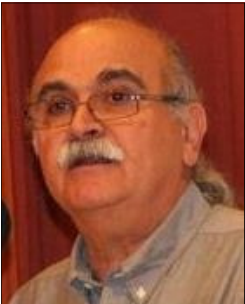
اوج توحش اسلامی

فاضل نادری

صفحه ۸

مذاکرات هسته ای، نتایج احتمالی و پیامدها

مصاحبه با حمید تقوایی



اروپائی اظهار تردید کرده اند. علت نه در مساله هسته ای بلکه مسائل سیاسی پایه ای تری است.

ظاهرا دستور مذاکرات رسیدن به توافقی بر سر مساله هسته ای است. یک طرف از این توافق رفع تحریمها را دنبال میکند و طرف دیگر محدود ساختن هر چه بیشتر غنی سازی اورانیوم را. اما این تنها جزئی از مساله است. مساله هسته ای محمل و چهارچوب دیپلماتیک مسائل پایه ای تری در رابطه بین غرب و جمهوری اسلامی است. مساله در نهایت بر سر موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه (رابطه اش با اسرائیل، با رژیم اسد، با حزب الله و دیگر نیروهای اسلامی) و همسویی و همجهتی این موقعیت و روابط با سیاستهای غرب و مشخصا آمریکا است. از نظر دولت آمریکا و متحدینش توافق هسته ای اولین قدم در راه "غربستیزی زدائی" از جمهوری اسلامی و رام کردن، و یا لاقطه غیر خصمانه کردن، آن در چارچوب سیاستهای غرب در خاورمیانه و کلا در جهان است. اما برای جمهوری اسلامی که از "مرگ بر آمریکا" برای خود سرمایه سیاسی اندوخته است، دست شستن از ضد آمریکائی گری بسادگی ممکن نیست. مقامات حکومت از یکسو خواهان لغو تحریمها هستند تا مگر به اقتصاد در هم ریخته شان سرو سامانی بدهند و

انترناسیونال: ماراتون مذاکرات بر سر پروژه های هسته ای ایران، ادامه دارد. مذاکرات با شرکت جان کری وزیر خارجه آمریکا روز دوشنبه ۱۹ آبان در مسقط به پایان رسید ولی در سطح دیگری ادامه پیدا کرد. در مورد نتایج این مذاکرات بطور رسمی چیزی اعلام نشده است. ولی ظاهرا طرفین این مذاکرات به توافقی نرسیده اند. وزیر خارجه آلمان در مورد خطر شکست مذاکرات هشدار داده است و مقامات جمهوری اسلامی هم نظر خوشبینانه ای در مورد این مذاکرات ابراز نکرده اند. روز ۲۴ نوامبر بعنوان ضرب العجل برای این مذاکرات اعلام شده است. بنظر شما این مذاکرات به کجا می انجامد. آیا جمهوری اسلامی می تواند با غرب در مورد محدود کردن پروژه های هسته ای خود به سازش برسد؟

حمید تقوایی: احتمال به

نتیجه رسیدن مذاکرات هسته ای بسیار ضعیف است. کشار شدن دور مذاکرات و اظهار نظرهای بدبینانه مذاکره کنندگان در این دور آخر مذاکره در مسقط خود حاکی از بی ثمری مذاکرات است. خودشان اذعان میکنند که که لاقطه در این دور به نتیجه ای نخواهند رسید. این امکان هست که زمان مذاکرات را برای بار چندم تمدید کنند ولی حتی درمورد مطلوبیت این امر نیز جان کری و برخی مقامات

از سوی دیگر می خواهند همچنان برای آمریکا شاخ و شانه بکشند و پرچمدار جنبش اسلام سیاسی در مقابله با شیطان بزرگ باشند. بند ناف جمهوری اسلامی با آمریکا ستیزی بریده شده است. این هویت ایدئولوژیک و سیاسی حکومت است. موقعیت داخلی و منطقه ای جمهوری اسلامی بر این مبنی استوار است و حتی اقتصاد مافیائی متکی بر رانتخواری و قاچاق و بازار سیاه و تفاوت نرخ ارز و غیره و غیره بر اساس خصومت با آمریکا شکل گرفته است. هر درجه عادی سازی رابطه با آمریکا بنیادهای ایدئولوژیک- سیاسی- اقتصادی حکومت را به لرزه خواهد انداخت و مقامات حکومتی هم بخوبی بر این واقعیت آگاه هستند. این به نظر من اصلی ترین مانع بر سر عادی سازی روابط میان غرب و جمهوری اسلامی است.

انترناسیونال: اگر چنین مانعی بر سر توافق بین جمهوری اسلامی و غرب وجود دارد چرا

صفحه ۲

خشونت به زن در ایران دولتی است

مقابله با آن نیز سیاسی است

اصغر کریمی

صفحه ۳

مذاکرات هسته ای، نتایج احتمالی و پیامدها

طرفین به مذاکرات ادامه می‌دهند؟

حمید تقوایی: مذاکره حاصل نیاز طرفین به یک نوع سازش و توافق است. تا آنجا که به غرب و سیاستهای آمریکا مربوط می‌شود تامین هژمونی و قدرقدرتی آمریکا و متحدینش بر دنیای پسا شوروی که با سیاست میلیتاریسم دوره بوش و رجز خوانی در مورد "یا با ما هستید یا با تروریستها" و لشگرکشی و به عراق و افغانستان و غیره دنبال می‌شد به جانی نرسید. روی کار آمدن اوباما و تغییر ریل به دیپلماسی و تز "مشتها را باز کنید تا دست بدهیم" خود یک نتیجه نافرجامی این سیاست بود. از سوی دیگر از نقطه نظر دولت آمریکا و دیگر کشورهای پنج بعلاوه یک تحریمهای اقتصادی نتیجه بخش بوده است و می‌خواهند حاصل دیپلماتیک آن را درو کنند. برای جمهوری اسلامی نیز علت اصلی روی آوردن به مذاکرات لغو و یا لاقط تخفیف تحریمها به امید براه افتادن چرخ اقتصاد به گل نشسته شان است. البته برای عده ای از آیت الله های میلیاردر، بخشی از مافیای اقتصادی که در اثر تحریم اقتصادی پرور شده و خود حکومتی ها آنرا "کاسبان تحریم" مینامند، تحریم اقتصادی یک برکت الهی بوده است اما بحران و درماندگی اقتصادی رژیم شدید تر از آنست که پرور شدن مافیای کاسبان تحریم بتواند دردی از آن دوا کند. همه شان میدانند که این وضعیت وخیم و درهم ریخته اقتصادی قابل ادامه نیست و بقول روحانی باید اول چرخ اقتصاد را گرداند و بعد چرخ سانتریفیوژ را. این وضعیت حکومت را با یک پارادوکس روبرو کرده است. پارادوکس عادی سازی روابط با غرب که در هر حال، به نتیجه برسد و یا نرسد، حکومت را با تکانه‌های

تلاطمهای شدید سیاسی و اجتماعی روبرو خواهد کرد.

انترناسیونال: آیا ممکن نیست که بر سر مساله هسته ای به توافقاتی برسند بی آنکه جمهوری اسلامی ناگزیر باشد از غربستیزی و تبلیغات و ادعاهای ضد آمریکائی خود دست بشوید؟

حمید تقوایی: این خط و هدفی است که حکومت و مشخصا خامنه ای و جناح اصولگرا دنبال میکنند ولی مشکل اینست که اولاً خود توافق هسته ای در هر سطحی مستلزم و نشاندهنده درجه ای از عادی سازی روابط با آمریکا و دیگر کشورهای طرف مذاکره است. هر توافقی مستلزم درجه ای از نظارت و کنترل شورای امنیت و آژانس بین المللی انرژی اتمی و دولتهای طرف توافق بر فعالیتهای هسته ای جمهوری اسلامی است و این در فضای حمله و گفتمان و تبلیغات خصمانه علیه آمریکای قلدر و زورگو و اسرائیل حرامزاده و غیره، که هر از چند گاهی خامنه ای به آن میدمد، ممکن نیست. اما علت مهمتر همانطور که بالاتر اشاره کردم هدف و جهتگیری آمریکا به فراتر رفتن از مساله هسته ای و به تمکین واداشتن جمهوری اسلامی به سیاستهای منطقه ای خود، و لاقط غیر خصمانه کردن مواضع و تبلیغات رژیم نسبت به غرب، است. مساله هسته ای به نماد و مظهری از تقابل جمهوری اسلامی با غرب تبدیل شده و با حل این مساله کل این تقابل شکسته میشود. هر دو طرف مذاکره کننده به این واقعیت آگاه است. برای جمهوری اسلامی همانطور که اشاره کردم این یک پارادوکس و تناقض لاینحل است و برای غرب یک فرصت مناسب برای رام کردن جمهوری اسلامی.

انترناسیونال: بنظر می رسد که جمهوریخواهان در آمریکا خواهان اعمال فشار بیشتر بر جمهوری اسلامی هستند. نیروهای اپوزیسیون طرفدار غرب و سازمان مجاهدین امیدهای خود را به حزب جمهوریخواه و قدرتگیری آن بسته اند. در این رابطه نامه محرمانه اوباما به خامنه ای را هم مورد انتقاد قرار داده اند، نظر شما در این مورد چیست؟

حمید تقوایی: قبل از هر چیز باید گفت این اولین بار نیست که اوباما به خامنه ای نامه مینویسد. این نامه نگاریها ناشی از همان سیاست کذائی باز کردن مشتهای گره کرده است که بالاتر توضیح دادم. اما همانطور که اشاره کردم این سیاست ناشی از اولیتهای سیاسی اوباما و یا حتی مواضع حزب دمکرت نیست بلکه از تنگناها و موانعی ناشی میشود که کل استراتژی تامین هژمونی بقدرت نظامی و صدور "دموکراسی" از طریق لشگر کشی و بمباران هوایی و رژیم پنج و دولت سازی از بالا را با ناکامی روبرو کرده است. این خط و سیاستها در زمان بوش فعالانه دنبال میشد و حاصل آن حمله نظامی به عراق و افغانستان بود که عاقبت آنرا امروز می بینیم. نه تنها هژمونی آمریکا در خاورمیانه تامین نشده بلکه حتی متحدین سنتی غرب نظیر عربستان و ترکیه نیز ساز خودشان را میزنند. سیاست هژمونی طلبی میلیتاریستی شکست خورده است و هر رئیس جمهوری و هیأت دولتی، دموکرات باشد یا جمهوریخواه، ناگزیر است این واقعیت را بحساب بیاورد و هدف تامین قدرقدرتی بر دنیای بعد از جنگ سرد را از طرق دیگری دنبال کند. امروز حتی اگر تندروترین جمهوریخواهان بر مسند ریاست

جمهوری آمریکا بنشیند قادر به تکرار رجزخوانی های دوره بوش و بازگشت به دوره جنگ خلیج و حمله به عراق و افغانستان نخواهد بود. آن دوره سپری شده و موقعیت دولت آمریکا در دنیا و مشخصا در منطقه خاورمیانه، که قرار بود آزمایشگاه نظم نوین جهانی مطلوب دولت آمریکا باشد، نه تنها تقویت نشده بلکه بطور واضیحی ضعیف تر از گذشته شده است.

اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی که به حزب جمهوریخواه دخیل بسته است این واقعیات را نمی بیند. یا بهترست بگوئیم منافعش اقتضا میکند که نبیند. نیروهای سلطنت طلب و همچنین مجاهدین مدتهاست بدنیال کسب مدال آلترناتیو مطلوب غرب برای جایگزینی جمهوری اسلامی هستند. امید بستن به سیاستهای آلترناتیو سازی آمریکا و تحولات از بالا، که در دوره بوش در شکل رژیم پنج و لشگر کشی و بحران آفرینی در مرزها و پیشروی زمینی زیر سایه حریم نیروی هوایی آمریکا و غیره خود را نشان میداد، جزئی از این استراتژی است. اما مشکل نیروهای اپوزیسیون راست اینست که عمر این نوع آلترناتیوسازیها به سر آمده است. اگر دهسال قبل در دوره رونق بوشیسم و سناریوهای رژیم چنچی، حساب باز کردن روی بازهای حزب جمهوریخواه که در آن دوره یک تاز میدان بودند، یک نوع فرصت طلبی فوق ارتجاعی محسوب میشد، امروز تنها یک نوستالژی ابلهانه است.

احتمال زیادی وجود دارد که در انتخابات بعدی آمریکا جمهوریخواهان روی کار بیایند، اما این مشکلی از اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی حل نخواهد کرد. رابطه آمریکا با جمهوری اسلامی هر شکلی بخود بگیرد معضل حکومت رابطه اش با مردم است. جمهوری اسلامی بعنوان سرمنشا مصائب و مشکلات طاقت فرسای مردم ایران هیچگاه مساله دولتهای غربی نبوده است. معضل اصلی

حکومت هم رابطه با غرب نبوده است. مردم ایران این حکومت را نمیخواهند و نقطه ضعف اصلی رژیم در همین جاست. جمهوری اسلامی نه در اثر سیاستهای آمریکا و یا مجاهدتهای اپوزیسیون متکی بر آمریکا، بلکه در اثر انقلاب مردم ایران سرنگون خواهد شد. آینده ایران را انقلاب توده ای مردم رقم خواهد زد و نه تشبثات دولتهای غربی و یا منطقه ای. به نظر من یک نگرانی اپوزیسیون راست همین چشم انداز انقلاب است و در دخیل بستن آنها به دولت آمریکا باید این فاکتور را نیز بحساب آورد.

انترناسیونال: این توافقات یا عدم توافقات و بطور کلی رابطه جمهوری اسلامی با غرب چه تاثیری می تواند در زندگی مردم ایران داشته باشد؟

حمید تقوایی: رابطه غرب با جمهوری اسلامی بر فقر و بیحقوقی مفرطی که آیت الله های میلیاردر بر ایران حاکم کرده اند تاثیر چندانی ندارد. برای دولتهای غربی مساله هسته ای و یا حمایت جمهوری اسلامی از نیروهای تروریستی و رابطه اش با حزب الله و حماس و دولت اسرائیل شاخصهای بسیار مهم تر و تعیین کننده تری است تا تروریسم جمهوری اسلامی در رابطه با مردم و جامعه در خود ایران. از این نقطه نظر عادی شدن رابطه دول غربی و جمهوری اسلامی تاثیری بر سرکوبگریها اعدامها، بازداشتها و شکنجه ها و اعمال فاحش ترین تبعیضات در حق زنان و تحمیل قوانین فوق ارتجاعی اسلامی بر زندگی شخصی و اجتماعی مردم نخواهد داشت. حتی بر عکس عادی شدن روابط میتواند قر زندهای نیمبند و گاه بگانه دولتها و نهادهای غربی در مورد نقض حقوق بشر در ایران را نیز خاتمه بدهد.

از لحاظ اقتصادی نیز حتی اگر همه تحریمها لغو شود در تورم و فقر و بیکاری و

خشونت به زن در ایران دولتی است مقابله با آن نیز سیاسی است

اصغر کریمی



و دینی قبول نمی‌کند و وقتی کار به موضوع مبارزه با بدحجابی می‌رسد می‌گویند باید کار فرهنگی صورت گیرد؛ حال سوال این است که چرا باید در این مورد کار فرهنگی کرد و در جاهای دیگر کار فرهنگی نمی‌کنند؟

علی برهان، امام جمعه

مهترینیزد:

زنان بدحجاب مانند الاغ‌های پالان دار هستند. انسان آدم بی‌حجاب را مانند الاغ لخت و بی‌پالان یک بار ببیند چشمانش سیر می‌شود و دیگر وسوسه نمی‌شود و شماها الاغ بی‌پالان ندیده‌اید، که حتما دیده‌اید و در زمان شاه زنان بی‌حجاب زیاد بودند ولی جلب توجه نمی‌کردند ولی هم‌اکنون زنان بدحجاب که مانند الاغ‌های پالان‌دار هستند در جامعه فراوانند و خودنمایی می‌کنند.

مردم مهترینیزد تحمل وجود یک خانم مانتویی را در شهرشان ندارند و دانشگاهی که بخواهد خانم مانتویی را راه بدهد نداریم و هم‌اکنون پوشش لباس و وضع ظاهری که بعضی از خانم‌ها و دختران می‌چرخند از بی‌حجابی بدتر است.

مصباح یزدی عضو

مجلس خبرگان رهبری:

نهی از منکر با زبان خشک جواب نمی‌دهد. امام حسین در راه امر به معروف و نهی از منکر کشته شد. نهی از منکر با زبان خشک جواب نمی‌دهد و باید روشی را جایگزین کرد که دیگران از آن استقبال کنند.

از این اظهار نظرات چند نتیجه گرفته میشود:

اولا این تبلیغات که از تریبون‌های رسمی کشور بیان میشود و در صدا و سیما و سایر ارگانهای تبلیغی حکومت به کرات و از این بدترش را هم هرروزه شاهد هستیم، بیانگر این است که مساله بی‌حقوقی زن و خشونت علیه زنان و از جمله اسید پاشی های اخیر به زنان امری دولتی، سازمان یافته و سیاسی است. اینها هستند که

نمی‌گیرد. دیگر با کار فرهنگی نمی‌توان جلوی بدحجابی در جامعه را گرفت و فکر می‌کنم برای حل این مساله باید خون‌های پاک ریخته شود تا این معضل از جامعه ما ریشه‌کن شود. با رویکرد آرام و آهسته و به اصطلاح کار فرهنگی دیگر نمی‌توان این موضوع را حل کرد.

احمد جنتی، امام جمعه تهران و رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر:

در صورتی که این فریضه مهم یعنی حجاب به درستی انجام نشود، ام‌الفساد خواهد بود. بنا بر آیات متعدد قرآن، حجاب از حدود الهی است و کسی که به این مسئله توجهی ندارد و آن را رعایت نمی‌کند در حقیقت به قرآن و اولیای خدا دهن‌کجی می‌کند. افرادی که تا حدودی معتقد هستند اما بی‌حجابی می‌کنند، این دسته افراد تجاهر به فسق و گناه مضاعف دارند و در حقیقت جامعه را سپاشی می‌کنند. فسادی که یک زن بدحجاب در جامعه پخش می‌کند از سم بدتر است. هیچکس حق ندارد نیروی انتظامی را در مبارزه با بدحجابی محدود کند. آیا می‌توان مثلا در مبارزه با اراذل و اوباش و یا قاچاقچیان مواد مخدر نیز فقط به کار فرهنگی بسنده کرد؟ مساله حجاب موضوع روز کشور است و هر چند مشکلات زیادی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و غیره داریم، اما مساله امنیت اخلاقی نباید با این بهانه که مسائل مهم‌تری پیش رو داریم، نادیده گرفته شود. سکوت در برابر بدحجابی گناهی نابخشودنی است. برخی حرف‌هایی می‌زنند که هیچ عقل

است. زنان بی‌حجاب و بدحجاب که با وضع زننده در جامعه ظاهر می‌شوند، در حقیقت امنیت عمومی و اجتماعی مردم را به مخاطره می‌اندازد و خفاش شب و گرگ درنده روز است. برخی عنوان کردند که معضل بی‌حجابی و بدحجابی را باید با مسائل فرهنگی رفع کرد ولی آیا معضلی که امنیت عمومی و اجتماعی مردم را به مخاطره می‌اندازد می‌توان با مسائل فرهنگی کاهش داد.

تامین امنیت ناموس مردم از مسائل معیشتی و حتی جان و مال مردم هم مهم‌تر است.

اباحه گری و تک‌خوانی زنان و توسعه موسیقی در راستای منافع دشمنان اسلام و نظام است.

هرگاه زن و دختر بدحجاب آرایش کرده در برابر جوانی قرار می‌گیرد او را از مسیر دین خارج کرده و به مسیر فساد می‌کشاند و از این راه دشمن به هدف خود می‌رسد و این افراد بدحجاب چه بخواهند و چه نخواهند خاکریز اول جنگ نرم دشمن هستند و جبهه او را تغذیه می‌کنند!

دختران و زنان ساپورت‌پوش باعث مشکل اقتصاد هستند.

احمد خاتمی، امام جمعه تهران و عضو هیئت رئیسه مجلس خبرگان رهبری:

برای حل مساله حجاب باید خون ریخته شود. مساله حجاب در جامعه امروز ما تبدیل به یک مشکل و فاجعه فرهنگی شده است. دیگر نمی‌توانیم بگوییم در حوزه مسائل فرهنگی و علی‌الخصوص حجاب در کشور کم‌کاری صورت می‌گیرد و باید گفت اصلا کاری در جامعه برای حل مشکلات این‌چنینی صورت

مساله حجاب دیگر از حد تذکر گذشته است و برای مقابله با بدحجابی باید چوب تر را بالا برد و از نیروی قهریه استفاده کرد. در آیه‌ای از قرآن، خدا گفته است قرآن را نازل کردیم که مردم را به قسط و عدل فرا خواند، اما در کنار این آیه لفظ آهن را به کار می‌برد که همه مفسران قرآن، آهن را بر برخورد جدی و شمشیر تعبیر کرده‌اند.

وی افزود: برخورد با قاطعیت و قوه قهریه احتیاج قانون است و برای رعایت مجموعه قوانین الهی، که در غیر این صورت برخورد جدی با این مساله شود. در ذهن برخی مسولان نیز وارد شده که باید در برخورد با مساله بدحجابی فرهنگ مردم را بالا برد، برخی مواقع، جدیت لازم است و اکنون زمان آن رسیده که چوب تر را برای مقابله با بدحجابی بالا برد.

برخی معتقد هستند قوه قهری در جامعه لازم نیست و باید از باب فرهنگ وارد شد، اما با نصیحت تنها نمی‌توان کاری کرد. امر به معروف و نهی از منکر هم زمان قدیم به صورت افرادی به نام محتسب بوده است که شلاق به دست بوده است.

احمد علم‌الهدی، امام جمعه مشهد:

زنان بدحجاب، خفاشان شب و گرگان درنده روز هستند. گناه معضل بی‌حجابی و بدحجابی از سرقت و آدم‌کشی هم بدتر است. معضل بی‌حجابی و بدحجابی از بدترین انواع فسق و فجور در جامعه است و اشاعه فسق و فجور، فحشاء، لایبالی‌گری، شرارت‌ها و اکثر مشکلات جامعه که امنیت عمومی را به مخاطره می‌اندازد از تبعات منفی بی‌حجابی و بدحجابی

عکس العمل سریع و نسبتا قدرتمند مردم اصفهان، تهران و برخی شهرهای دیگر به جنایت اسیدپاشی حکومتی‌ها، نشان داد که روحیه مبارزاتی تازه ای در میان مردم شکل گرفته است. این روحیه را در اعتصابات طولانی مدت در بسیاری مراکز کارگری، در همبستگی توده ای با مردم کوبانی و در فضای اعتراضی علیه اعدام ریحانه شاهد بودیم. روحیه حاکم بر اعتراض مردم علیه اسیدپاشی نشان‌دهنده حساسیت بیشتر جامعه علیه ستم و جنایت علیه زنان است. در چنین فضایی باید با آمادگی بیشتر به دفاع از حقوق زنان برخاست. ۴ آذر (۲۵ نوامبر) روز جهانی مبارزه علیه خشونت به زنان نزدیک است. فرصتی است که مردم را هرچه بیشتر به میدان آورد و تحرك مبارزاتی تازه ای علیه ستم به زنان سازمان داد. فرصتی است تا مردم جهان را علیه اسیدپاشی و کل آپارتاید جنسیتی و کل اسلام و اسلام سیاسی و در همبستگی با زنان کشورهای اسلام زده به میدان آورد.

یک نکته مهم را اما باید قبل از هر چیز یادآوری کرد و آن اینکه ستم به زنان و خشونت در حق زنان در ایران امری دولتی و سیاسی است و پاسخ سیاسی می‌طلبد. روشن است که همه اشکال ستم و تبعیض در جامعه طبقاتی جنبه فرهنگی هم دارد. اما فرهنگ چگونه ساخته میشود؟ نگاهی به چند اظهار نظر اخیر چند امام جمعه حکومت بسیار گویا است:

یوسف طباطبایی نژاد، امام جمعه اصفهان:

به گزارش جهان به نقل از مهر، امام جمعه اصفهان گفت:

خشونت به زن در ایران دولتی است مقابله با آن نیز سیاسی است

دار و دسته های اوباش خود را تحریک میکنند و البته قضیه فراتر از تحریک است، سالها است دستجات مختلفی شبیه انصار ثارالله توسط اینها با حقوق ماهانه و پنجه بوکس و کارد و زنجیر و اسید اجیر شده و به شیوه ای سازمان یافته مشغول اقداماتی فراتر از تذکر لسانی علیه زنان و مردم بوده اند. ۲۶ ارگان دولتی را نیز که رسماً علیه زنان و برای تحمیل حجاب و سایر مقررات اسلامی و در واقع برای عملی کردن اراجیف آیت الله ها سازماندهی شده اند باید به این دستجات نیمه رسمی اضافه کرد. دوم اینکه، این اظهارات به هر محکمه منصفانه ای ارجاع شود، عوامل آنرا بعنوان عاملین اصلی اسیدپاشی، تجاوز به زنان، خشونت هرروزه علیه زنان و همه جنایاتی که در جامعه علیه زنان صورت میگیرد محکوم خواهد کرد.

سوم اینکه، شیادان اصلاح طلب حکومتی تلاش میکنند دولت را از خشونت علیه زنان میرا کنند و سرکوب زنان را به جناح خاصی در حکومت نسبت بدهند و روحانی و همینطور خاتمی و خمینی را تبرئه کنند. اما در تمام این ۳۶ سال مجلس با شرکت و حتی ریاست همین اصلاح طلبان قانون گذرانده و دولت اجرا کرده است. بودجه ۲۶ ارگان دولتی نیز که علیه زنان سازمان یافته اند توسط دولت و مجلس تصویب شده و پرداخت میشود. و روشن است که در مورد میزان خشونت علیه زنان، در میان مقامات و مسئولین حکومت اختلاف نظر هست. اما این اختلاف اساساً ناشی از مبارزه قدرتمند زنان و کل جامعه علیه طرح های جنایتکارانه حکومت است. شکست های پی در پی اقدامات حکومت از یکطرف و تلاش برای جمع آوری رای در جریان مضحکه

های انتخاباتی از جمله دلایل به اصطلاح انعطاف برخی دولت ها نسبت به مساله حجاب و قوانین دیگر اسلامی بوده است. اخیراً و بدنبال رشد صعودی بی حجابی و بطور کلی تعرضی تر شدن مبارزه زنان و مردم علیه قوانین اسلامی و بلند شدن سر و صدای امام جمعه ها، محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت روحانی در جمع خبرنگاران بدحجابی را بیماری خواند و برخورد با آن را مورد تایید کامل دولت دانست و در دوره خاتمی نیز طرح گسترش حجاب و عفاف تصویب شد. از این اظهار نظرات توسط مقامات دولت تا دلان بخواهید هست اما هیچ دولتی در این ۳۶ سال حتی یک قانون به نفع زنان تصویب نکرده و یک بیانیه علیه اراجیف آیت الله ها منتشر نکرده است. اصلاح طلبان فقط ماهیت پست و ضد زن خود را به نمایش میگذارند.

به مساله بیحجابی باید سنگسار و پدوفیلیسم اسلامی و شوهر دادن دختر بچه ها، بعنوان بزرگترین و جنایتکارانه ترین نوع خشونت به کودک و زن، و شلاق زدن به زنان و جداسازی در مهد کودک ها و دبیرستان و دانشگاه و کنار دریا و بسیاری مجامع عمومی و ممنوعیت ورود زنان به استادیوم های ورزشی، صیغه یا فحشای رسمی اسلامی، حق مرد برای داشتن چهار زن رسمی و تعداد نامحدود همسر صیغه ای، محرومیت زنان از بسیاری مشاغل و رشته های تحصیلی و هزار محرومیت دیگر را اضافه کرد. و اینها منطبق بر ایدئولوژی حکومت است. طبق این ایدئولوژی زدن زن بر اساس نص صریح قرآن مجاز است، در صورت تجاوز همیشه زن همدست و شریک جرم محسوب میشود، اگر از خود دفاع کند و طرف مقابل کشته شود محکوم به اعدام است و اگر تسلیم شود، به

زندان و اگر مزدوج باشد به سنگسار محکوم میشود. بر اساس فقه اسلام که مبنای قوانین جمهوری اسلامی است مرد مجاز است که همسر، خواهر، دختر عمو و یا مادر خود را در صورت داشتن ارتباط خارج از ازدواج به قتل برساند و صدها و هزاران حدیث و آیه دیگر از این جنس خمیرمایه اسلام و قرآن و حکومت اسلامی را میسازد. تاریخ این حکومت پر است از تبلیغات سیستماتیک از تریبون های رسمی نماز جمعه و صدا و سیما و سایر رسانه های حکومتی علیه زنان، پر است از اقدامات جنایتکارانه علیه زنان توسط دار و دسته های اجیر شده ارگانهای مختلف دولتی، پر است از قوانین متحجر و غیر انسانی علیه زنان. شعار روسری یا توری بدنبال فتوای خمینی علیه زنان بیحجاب و توسط دستجات فاشیستی و شبه دولتی از همان سال ۵۷ باب شد و همراه با آن زنان عامل فساد و فحشا معرفی شدند، زنان «بدحجاب» و آرایش کرده عامل دشمن، ستون پنجم و پیاده نظام دشمن خطاب قرار گرفتند، حتی زلزله را به بیحجابی ربط دادند (آیت الله صدیقی یکی از امام جمعه های تهران)، عوامل سازماندهی شده حکومت با شعار و پلاکارد مرگ بر بی حجاب در خیابان ها رژه رفتند، علیه زنان عربده کشیده و مدام تلاش کردند فضای رعب و وحشت ایجاد کنند، قانون وضع کردند که زنانی که حجاب شرعی را رعایت نمیکند به ۷۴ ضربه شلاق محکوم میشوند، زنان را به جرم تلاش برای وارد شدن به استادیوم ها باتوم زدند و به زندان انداختند، به زنان معترض در سال ۸۸ در زندان ها تجاوز کردند تا انتقام خود را بگیرند. و حال که همه اینها شکست خورده است به اسیدپاشی روی آورده اند اما این ترفند جنایتکارانه نیز با

عکس العمل قاطع و قدرتمند مردم روبرو شد و از جمله امام جمعه اصفهان که چوب تر بلند کرده بود را به غلط کردم انداخت و سران حکومت را وادار کرد بگویند اسیدپاشی جنایت است. اما مردم با وضوح بیشتری دست های کثیف و خونین حکومت و آیت الله ها را پشت همه این ماجراها دیدند و جری تر شدند.

راه حل سیاسی، قانونی و دولتی است

اصلاح طلبان بخوبی میدانند که قوانین ضد زن ساخته و پرداخته مجلس و دولت و رهبر است، جداسازی ها کار دولت است، رسانه ها و تریبون های رسمی نماز جمعه و منابر و غیره دست دولت است و ارگان هایی که سرکوب سیستماتیک زن را سازمان میدهند از جمله دستجات امر به معروف و نهی از منکر دولتی هستند و از دولت بودجه و امکانات میگیرند و اینها را با کار فرهنگی نمیتوان تغییر داد. هیچ فرهنگی نیز فرهنگ ابتدا به ساکن مردم نیست. خودبخود ایجاد نمیشود. ادامه فرهنگ عقب مانده و ضد زن در اعصار و قرون وسطی نیست. همین امروز تولید و بازتولید میشود. نیاز امروز طبقه حاکم و نظام حاکم است، نیاز حفظ حکومت است، برایش هزینه میشود و زرادخانه عظیمی با بودجه ای هنگفت برای ایجاد این فرهنگ سازمان داده شده است. بنابراین برای تغییر فرهنگ جامعه نیز باید فکری به حال اینها کرد. خامنه ای در یک سخنرانی در همدان گفته بود: «پشت همه اینها، دستها و مغزهای پلید و توطئه گر دشمن را من مشاهده می کنم. پشت سر سوق دادن جوان ها به بی بند و باری، ولنگاری شهوانی و جنسی، دست و سرانگشت دشمن هست. مسئله، مسئله سیاسی است؛ مسئله اجتماعی معمولی نیست». از نظر ما نیز مساله سیاسی است و راه حل سیاسی دارد. قوانین باید عوض شود. دولت باید غیر مذهبی شود. و این یعنی پیش

شرط حل مساله زن، بیحقوقی زن و خشونت به زن، سرنگونی حکومتی است که زن ستیزی ستون اصلی سیاست و ایدئولوژی آن است. اگر اصلاح طلبان نمیخواهند اینرا بپذیرند اما مردم فی الحال اینرا بخوبی میدانند. شعار امام جمعه ما ننگ ما و امر به معروف نمیخواهیم و دهن کجی هر روزه به حکومت و آیت الله ها چیزی جز این نمیکوید. روی برگردانی از کل خرافه مذهب و اسلام که در ابعادی میلیونی جریان دارد چیزی جز این نمیکوید.

اما اینجا لازم است در مورد فرهنگ مردم نکات مهمی توضیح داده شود. آنها که مشکل را به مردم نسبت میدهند و کار فرهنگی را مقدم بر کار سیاسی میدانند اساساً اشاره شان عقب مانده ترین بخش جامعه است. آنها در واقع خود نماینده همین فرهنگ عقب مانده هستند. امروز فرهنگ بخش قابل توجهی از جامعه علیرغم وجود یک حکومت ضد زن و زرادخانه تبلیغی و سازمان یافته حکومت برای تولید فرهنگ عقب مانده و ضد زن، بسیار از اینها فاصله دارد و مبارزه ای در ابعاد میلیونی علیه حجاب و سایر بیحقوقی های زن در جریان است. در تظاهرات زنان در روز جهانی زن سه هفته پس از روی کار آمدن حکومت بیش از ۱۵ هزار نفر شرکت کردند و اگر تحریکات و فتوای دولت و خمینی و دستجات فاشیست و قمه کش حکومت نبود صدها هزار نفر در آن شرکت میکردند. آمارهای متعدد حکومتی در سالهای اخیر که انواع و اقسام ارگان ها و نیروهای سرکوب را برای تحمیل حجاب به جان زنان انداخته اند، دال بر مقاومت میلیونی زنان است. سالانه طبق آمار حکومت بین دو و نیم تا سه میلیون نفر که اکثر قریب به اتفاق آنها زن هستند، بخاطر عدم رعایت موازین اسلامی توسط نیروهای انتظامی تذکر میگیرند یا جریمه و بازداشت میشوند. این آمار

مخمسه دولت آمریکا در سوریه

کاظم نیکخواه



دنبال کند، نیروهای به اصطلاح "میان رو" یا در واقع مماشات جو و سازشکار در اپوزیسیون سوریه از جمله جریانات ناسیونالیست کرد را با خود همراه نماید، و نهایتا سازشی را بین اینها و حزب بعث سوریه بدون اسد دنبال نماید.

اولین مشکل دولت آمریکا در این زمینه مساله مذاکرات صلح با جمهوری اسلامی است. همین هفته گذشته خبرگزاریها نامه اوایما به خامنه ای را افشا کردند که در آن او به خامنه ای اطمینان میدهد که "ما در سوریه در پی سرنگونی بشار اسد نیستیم". کل کارنامه مذاکرات و سازش با جمهوری اسلامی اولین قربانی این استراتژی احتمالی دولت اوایما خواهد بود. آیا دولت آمریکا میخواهد با جمهوری اسلامی کار به تخاصم تند کشیده شود؟ اوایما ناچار است بین جمهوری اسلامی و مصالح عربستان و ترکیه یک طرف را انتخاب کند. و با دست اندازها و بن بست تاکنونی مذاکرات با جمهوری اسلامی، بنظر میرسد که دولت اوایما هرروز بیشتر خودرا ناچار می بیند که به سوی انتخاب دوم گام بر دارد. اما این هنوز به معنای حل مساله سوریه نخواهد بود. کنار زدن دولت اسد برای آمریکا کار ساده ای نیست. و حتی اگر این کار هم عملی شود، شکل دادن يك آلترناتیو با ثبات و مورد قبول مردم کار بسیار مشکل تری خواهد بود. همه اینها بیانگر اینست که دولت آمریکا در سوریه نیز همچون عراق به منجلابی پا گذاشته است که بیرون آمدن از آن کاری ساده بنظر نمیرسد.

تا آنجا که به مردم مربوط میشود این اوضاع به معنای تداوم کشاکشهای خونین میان دولتهای ارتجاعی و دستجات وابسته به آنهاست. اولین بازنده این کشاکش نیز مردم سوریه هستند که تا کنون آسیبهای جبران ناپذیری را متحمل شده اند. متحد شدن مردم در پشت خواستهای رادیکال و انسانی

فشار است و راه حلی روشنی برای برون رفت از این وضعیت ندارد. از يك سو حفظ رژیم بشار اسد در سوریه با توجه به اینکه انقلابی میلیونی علیه این حکومت به جریان افتاده، و کشتار ۲۰۰ هزار نفر از مردم و آوارگی چندین میلیون نفر را در کارنامه خود دارد، هیچگونه ثباتی را در سوریه بدنبال نخواهد داشت. مردم وسیعا این حکومت را نمیخواهند و نمیتوانند با آن کنار بیایند. از سوی دیگر شکست داعش برای دولت آمریکا بدون همراهی دولت ترکیه و عربستان عملی نیست. این دولتها اکنون چون گذشته تابع گوش بفرمان سیاست آمریکا نیستند. مصالح خودرا دارند و با شکست سیاستهای آمریکا در منطقه میخواهند جای پای خودرا محکم کنند. این دولتها اکنون به دلایل متعددی از جمله برای تضعیف جمهوری اسلامی، در پی سرنگونی رژیم اسد هستند. دولت ترکیه علنا اعلام کرده است که بدون سرنگونی اسد در جنگ علیه داعش همکاری نخواهد کرد. بمبارانهای هوایی ناتو و آمریکا نشان داده است که برای شکست داعش به نیروی گسترده زمینی نیاز است. و برای دولت آمریکا این نیرو فقط با کمک ترکیه و عربستان و همچنین نیروهای ناسیونالیست کرد و امثال اینها قابل تامین است. با توجه به این ها اکنون دولت اوایما به این نتیجه رسیده است که باید سیاست خودرا در سوریه تغییر دهد. این کنه و جوهر آن چیزی است که "استراتژی جدید دولت اوایما" خوانده میشود و هنوز رسما اعلام نشده است. در این استراتژی قرار است دولت آمریکا فعلا نه سیاست کنار رفتن اسد را

ملی سوریه" و پس از آن "ائتلاف ملی نیروهای ملی و اپوزیسیون سوری" را تشکیل دادند تا از این طریق به راه حلی میانه که هم سیستم دولتی سوریه سرجا بماند و هم تغییراتی باب طبع اسلامی ها و دولتهای ترکیه و عربستان در آن وارد شود، ایجاد کردند. اما بخش اعظم این نیروها نیز حاضر به سازش با رژیم اسد نشدند. در این فضا دولتهای ترکیه و عربستان و قطر حمایتهای گسترده خود از جریانات آدمکش اسلامی نظیر داعش و جبهه النصره و امثالهم را شدت بخشیدند. رشد سریع داعش در واقع نتیجه حمایت بیدریغ این دولتها از خونخواران اسلامی و بی آلترناتیوی و بن بست سیاست غرب در سوریه بود. هم دولتهای غربی و هم دولتهای عربستان و ترکیه که مصالح منطقه ای خودرا دنبال میکنند، نقش مهمی در شکست انقلاب سوریه در برابر حکومت اسد ایفا کردند.

استراتژی بی سرانجام

با سربلند کردن و پیشرویهای داعش در عراق و سوریه، آمریکا خودرا ناچار دید که با این نیرو مستقیما درگیر شود. در این موضع تلاش آمریکا این بوده است که خودرا به عنوان حامی مردم علیه داعش قلمداد کند. اما همه کس میدانند و سردمداران و مقامات دیروز و امروز حکومت آمریکا اعتراف کرده اند که خود دولت آمریکا در ایجاد داعش نقش مستقیم داشته و با حمایتهای دولت ترکیه و عربستان و قطر و امارات از این نیروی خونخوار مستقیما با بطور غیر مستقیم همراهی کرده است. آمریکا و دولت اوایما بطور مشخص اکنون از چند جبهه زیر

روشنی نداشت اما عملا در راه سرنگونی اسد کارشکنی و مانع تراشی کرد. نقش فعال در این منطقه را دولت ترکیه و عربستان و امارات و قطر ایفا کردند و به سرعت جریانات آدمکش را با پول و سلاح پر و بال داده، تا دندان مسلح کرده و بجان مردم انداختند. تلاش آنها این بود که با استفاده از این نیروها از يك طرف مردم انقلابی و رادیکال و از نفس انقلاب را عقب برانند و از طرف دیگر با ایجاد گروههای هوادار خود نقش تعیین کننده تری در منطقه ایفا کنند. برای ترکیه و عربستان بتدریج سرنگونی اسد به يك هدف تبدیل شد. اما دولت آمریکا تاکنون عملا با سرنگونی بشار اسد مخالفت کرده بود. دولت اوایما از ترس بی ثبات شدن سوریه و ایجاد خطر برای اسرائیل از طریق افتادن اوضاع به دست مردم یا گروههای اسلامی، با استراتژی این دولتها همراهی ننمود و بر کشتار بیرحمانه رژیم اسد و پاسداران جمهوری اسلامی چشم فرو بست. آمریکا و دولتهای غربی از يك طرف سعی کردند "ارتش آزاد سوریه" را زیر کنترل خود بگیرند و در ارتش آزاد سوریه نیز تقلازی زیادی کردند که بخشهای رادیکال را کنار بزنند و بخشهای به اصطلاح "میانه رو" را جلو بکشند و آنها را به سازش با حکومت اسد سوق دهند. این تلاش تماما شکست خورد. کنفرانسهای متعددی که در کشورهای مختلف با نیروهای مخالف بشار اسد تشکیل شد نتوانست نیروی جدی ای را برای مصالحه با دولت اسد گرد آورد و برعکس شکافهای پی در پی را در این ائتلاف ایجاد کرد. پس از آن دولت آمریکا و حامیان غربی اش نیروی دیگری بنام "شورای

بنا به گزارش یورو نیوز "باراک اوایما، رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا تیم امنیت ملی خود را برای بازنگری در استراتژی این کشور در قبال سوریه فراخوانده است چراکه بنا بر تحلیلها گفته می شود شکست داعش در صورتی محقق خواهد شد که بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه از قدرت کنار رود. به گفته "بن رودز" مشاور امنیت ملی کاخ سفید، بشار اسد طی دو سال اخیر همچون آهن ربای بزرگی افراطگرایان را به سوریه جذب کرده است و اکنون کاملا روشن شده که اسد مشروعبیتش را برای حکومت از دست داده است و لازم است در کنار منزوی کردن رژیم اسد، با متحدان برای ایجاد يك نیروی مخالف معتدل کار شود."

نیاز به "تغییر استراتژی دولت آمریکا در سوریه" قبل از هرچیز اعترافی است به اینکه دولت آمریکا طی سه سال اخیر تاکنون عملا در راه سرنگونی بشار اسد مانع ایجاد کرده یا با آن مخالفت کرده است. سرنگونی بشار اسد را انقلاب مردم سوریه در دستور گذاشت. طی بیش از دو سال حکومت اسد به کمک پاسداران و نیروهای اجیر شده جمهوری اسلامی، وسیعا از مردم انقلابی این کشور کشتار کردند و آخرین آمارها حاکی از اینست که تاکنون بیش از ۲۰۰ هزار نفر در شهرهای مختلف سوریه به قتل رسیده اند و صدها هزار نفر نیز توسط دولت بشار اسد زندانی شده یا مفقود الاثر اعلام شده اند (که البته بخش قابل توجهی از این کشتارها توسط جریانات آدمکش اسلامی صورت گرفته). دولت آمریکا تاکنون در قبال اوضاع سوریه و مساله سرنگونی اسد استراتژی تعریف شده و

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
http://www.countmein-iran.com

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank
کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G Street, Blaine, Wa 98230

phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush

Account number : 99 - 41581083

wire: ABA routing # 026009593

swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس

و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23, account holder: WPI

, Bank: NatWest branch: Wood Green

81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

کردن کمربندها را خواهد داد. مافیای اقتصادی حاکم هم از شرایط مناسبتری برای غارت و چپاول دسترنج کارگران و ثروتهای جامعه برخوردار خواهد شد. واقعیت اینست که بحران مزمن و وضعیت نابسامان اقتصادی همزاد جمهوری اسلامی است و تنها با بزیر کشیدن این حکومت میتواند به نفع مردم حل بشود. ما همیشه تاکید کرده ایم که بورژوازی بومی و جهانی در ایران با یک بحران عمیق حکومتی روبروست. مذاکرات غرب و جمهوری اسلامی به هر نتیجه ای برسد این بحران حل نخواهد شد.*

از صفحه ۲

مذاکرات هسته ای، نتایج احتمالی و پیامدها

دستمزدهای چندین مرتبه زیر خط فقر تغییری حاصل نخواهد شد. این مسائل هیچیک با تحریم اقتصادی شروع نشده است که با لغو تحریمها حل بشود. البته لغو تحریمها بر نرخ ارز و واردات و صادرات کالاها تاثیر خواهد داشت و این به نفع کارکرد سرمایه ها خواهد بود اما به هر درجه سرمایه ها در ایران بکار بیافتد به همان نسبت ریاضت کشی اقتصادی که یکی از مبانی برافه افتادن چرخهای سرمایه در ایران و جذاب کردن آن برای

از صفحه ۴

خشونت به زن در ایران دولتی است مقابله با آن نیز سیاسی است

کار فرهنگی! شوند و به امامزاده هایشان در حکومت دخیل ببندند. اما بخش پیشرو جامعه، مدافعین واقعی حقوق زن و نسل جوان جامعه که برای حکومت و قوانین و اسلام تره خورد نمیکند راه دیگری مقابل خود دارند. تعرض باز هم بیشتر. بلند کردن پرچم مطالبات پیشرو جامعه بشری برای احقاق حقوق زنان و کل مردم و بلندتر کردن پرچم سرنگونی حکومت و جلب همبستگی مردم جهان با زنان و مردم ایران.*

سفید!، همه بیانگر پیشروی جنبش مدرن و انسانی دفاع از حقوق زن و جنبش پس زدن مقررات اسلامی و کل اسلام است. راه حلی که مقابل این بخش جامعه قرار دارد فرهنگی نیست سیاسی است. اما کار فرهنگی هم از عهده کسی بر میاید که بدوا منشاء بیحقوقی زنان و خشونت به زنان را بشناسد.

اصلاح طلبان و کلا طیف ملی اسلامی میتوانند با قشر عقب مانده و حاشیه حکومت و آیت الله های خوش خیم مشغول

بیش از هر چیز وجود یک دهن کجی میلیونی علیه قوانین حکومت است. داد و فغان امام جمعه ها و آیت الله ها علیه رشد بی حجابی و آه و ناله های زنان خیلی محجبه که میگویند در فروشگاه ها زنان محجبه مورد تمسخر و توهین قرار میگیرند و پیدا کردن یک مانتو اسلامی ساعتها وقت میگیرد و در کافی شاپ ها فضا برای آنها تنگ شده است و ۹۰ درصد دختر و پسران جوانی که با جنس مخالف یا همجنس خود روابط «غیر شرعی» دارند و ازدواج های

از صفحه ۵

مخمسه دولت آمریکا در سوریه

همچنین اعلام قانون برابری زن و مرد و سیستم "خود مدیریتی" در برخی مناطق آزاد سوریه بچشم میخورد که علیرغم برخی نواقص و ایرادات، یک حرکت و صدای پیشرو و انسانی را بیان میکند.*

تحولات زیادی نه فقط در سوریه بلکه در حرکت مردم دیگر بخشهای منطقه و جهان نیاز دارد. اما نشانه هایی امید بخش از آن اینجا و آنجا از جمله در مقاومت مردمی در کوبانی و حمایتی بین المللی از آن، و

خود و دفاع مستقل از زندگی و منزلت خویش و حمایت فعال مردم دنیا از این مردم تنها راه برنورفتن از این اوضاع و خلاص شدن از شر دولتهای ارتجاعی و دارودسته های آنهاست. قدرت گیری این آلترناتیو نیز به



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

روز جهانی اعتراض به خشونت مضاعف علیه زنان ایران!

به روز اعتراض جهانی به خشونت علیه به زنان نزدیک میشویم. خشونت علیه زنان در همه کشورها بدرجات مختلفی وجود دارد و اعتراض به خشونت علیه زنان یک امر جهانی است. اما جمهوری اسلامی در این میان موقعیت ویژه ای دارد. خشونت علیه زن در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی امری قانونی رسمی و مورد حمایت دولت است. هفته گذشته فرمانده ناجا اعلام کرد که تنها در سال جاری ۳۱۸ مورد اسید پاشی به زنان صورت گرفته است. شیوع این جنایت در جامعه امری تصادفی و یا آنطور که مقامات میخواهند وانمود کنند امری مربوط به مسائل شخصی نیست. این جنایتی است که شرایط و فضا و زمینه های اجتماعی و سیاسی آنرا تماما اخلاقیات و معنویات و قوانین و سیاستهای ضد زن و شدیداً تبعیض آمیز و حقارت آمیز اسلامی فراهم آورده است. اوپاش وابسته به حکومت دست به اسید

میبزند چون جامعه این قوانین را نمیپذیرد و علیه آن اعتراض و مقاومت میکند. مبارزه و اعتراض زنان و مردان آزادیخواه علیه تحقیر و بیحقوقی زنان در تمام طول حاکمیت جمهوری اسلامی ادامه داشته است. اسید پاشی خود جنایتی برای تحمیل خشونت همه جانبه تری بر زنان است. حجاب و آپارتاید جنسی و محرومیت از فعالیتهای ورزشی و اجتماعی و محرومیت از حق سفر و انتخاب شوهر و تجاوز شرعی به دختر بچه ها و ده ها مورد جنایت دیگر که هر روزه در حق زنان در ایران اعمال میشود را میخواهند به زور اسید به جامعه تحمیل کنند. روز جهانی علیه خشونت نسبت زنان روز افشای خشونت قانونی و دولتی علیه زنان ایران و بسیج نیروهای مدافع حقوق زن و آزادیخواهان در سراسر دنیا علیه جنایت جمهوری اسلامی است. *

نفی قوانین ضد زن اسلامی: یک دستاورد کوبانی!

دولت خود گردان کردستان سوریه در کانتون جزیره هفته گذشته قوانینی را در رابطه با حقوق زنان در این منطقه اعلام کرده است. ممنوعیت چند همسری، ممنوعیت ازدواج دختران کمتر از ۱۸ سال، حق طلاق برای زنان، حق برابر در ارث، ممنوعیت قتل‌های ناموسی، ممنوعیت خشونت و تبعیض علیه زنان، و ممنوعیت ازدواج بدون رضایت شخصی زن از جمله قوانینی است که در این سند اعلام شده است. این مفاد تماما نافی قوانین ارتجاعی اسلامی است. تصویب و اعلام این سند در

واقع یک مقابله سیاسی حقوقی با داعش و نیروهای اسلامی در منطقه است. اما مبتکر و نماینده این مقابله ناسیونالیسم نیست. بعبارت دیگر اعلام این قوانین از جانب نیروهای ناسیونالیست کرد از اهداف و ایدئولوژی و خط سیاسی آنان سرچشمه نمیگیرد. ناسیونالیست‌های کرد در کرستان عراق بیش از دو دهه است دولت اقلیمی خود را تشکیل داده اند و ارتجاعی ترین قوانین را در رابطه با زنان اعمال کرده اند. نیروهای ناسیونالیست کرد در سوریه نیز که با نوعی مصالحه پنهانی با رژیم اسد به خودگردانی رسیده اند دست کمی از همپالکی های

عراقی خود ندارند. آنچه این نیروها را به صرافت اعلام این قوانین در دفاع از حقوق زنان انداخته است مبارزه جانانه مردم کوبانی در برابر داعش است. کوبانی یکی از سه کانتون خودمختار کردستان سوریه است و نیروهای مسلح ناسیونالیست کرد در مقاومت مردم کوبانی نقش فعالی ایفا میکنند ولی این جنگی بر سر مساله ملی و خودگردانی و حقوق مردم کرد و یا مبتنی بر تعصبات و ارزشهای ناسیونالیستی نیست، بلکه جنگی در دفاع از زندگی و ابتدائی ترین حقوق مردم بویژه زنان در برابر ارتجاع اسلامی است. مضمون و اساس مقاومت

"چرخش مالی مواد مخدر در ایران سه میلیارد دلار است" وزیر کشور جمهوری اسلامی همه میدانند که گرداننده این چرخ مالی در ایران خود جمهوری اسلامی است. در سال ۲۰۰۹ ویکیلیکس اسنادی را منتشر کرد که نشان میداد "ایران یکی از بزرگترین صادر کنندگان مواد مخدر در جهان به شمار می آید و نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این قاچاق دست دارند". در این گزارش افشا شده است که در سال ۲۰۰۶ تا زمان انتشار گزارش صدور هروئین از ایران به آذربایجان از بیست تن به ۵۶ تن افزایش یافته است. به گفته وزیر امور خارجه وقت آذربایجان "مدارکی در دست است که نشان میدهد قاچاق مواد مخدر بوسیله سازمانهای امنیتی ایران صورت میگیرد. ... هنگامی که نیروهای امنیتی آذربایجان قاچاقچیان ایرانی مواد مخدر را دستگیر کرده و برای

کوبانی در برابر داعش مقابله با و ممانعت از جنایات هولناکی است که این نیروی هار و خونریز بویژه در رابطه با زنان در مناطق تحت تصرف خود مرتکب شده است. این مضمون و محتوی عینی و واقعی جنگ در کوبانی، مستقل از احزاب و نیروهای درگیر در آن، است. روابط و توازن قوا میان بالائی ها - نیروهای کرد، دولت اسد، دولت ترکیه، دولت آمریکا و غرب و غیره - در ایجاد شرایط شکلگیری مقاومت مردم کوبانی و تداوم آن نقش داشته است اما مضمون این جنگ را این نیروها تعیین نکرده اند. این جنگ برحق مردم کوبانی علیه یک نیروی فاشیستی اسلامی است که نیروهای ارتجاعی، مثل هر مورد دیگر از انقلابات و مبارزات برحق مردم، هر یک برای رسیدن به اهداف معین خود در آن دخالت میکنند. در این میان اعلام قوانین

صنعت دولتی مواد مخدر در ایران!

مجازات به کشورشان تحویل می دهند، به سرعت از زندان آزاد می شوند. ... ما گاهی افرادی را دستگیر می کنیم که از زمان تحویلشان به ایران مدت زمان زیادی نگذشته است". این اسناد افشا شده افکار عمومی دنیا را از ابعاد فعالیتهای مافیای اقتصادی حاکم بر این آگاه میکند اما مردم ایران نیازی به این اسناد ندارند. اشاعه و فروش مواد مخدر بوسیله ابادی رژیم یک واقعیت آشکار در زندگی هر روزه مردم ایران است. ادغام صنعت تولید و اشاعه مذهب و صنعت تولید و اشاعه مواد مخدر را باید به لیست هنرهای آیت الله های میلیاردی افزود. مارکس زمانی اعلام کرد مذهب افیون توده ها است. جمهوری اسلامی با رونق دادن به تجارت مواد مخدر به این واقعیت معنای جامع تر و جنایتکارانه تری داده است! *

مدافع حقوق زنان - یا درواقع اعلام لغو قوانین اسلامی علیه زنان- را باید تلاشی در جهت کسب نفوذ بیشتر دولت خودگردان کانتون جزیره در میان مردم کردستان سوریه و در افکار عمومی جهانی بشمار آورد. اما نباید اجازه داد دفاع از حقوق زنان به حساب ناسیونالیسم کرد ریخته شود. برسمیت شناسی حقوق زنان یک دستاورد مقاومت مردم کوبانی است که اگر تثبیت شود ضربه مهمی به همه نیروها و دولتهای اسلامی در منطقه از جمله جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد. دولت ضد زن اقلیم کردستان عراق نیز از این ضربه بی نصیب نخواهد ماند. تثبیت این دستاورد در گرو نه تنها شکست دادن و به عقب نشاندن داعش بلکه حاشیه ای کردن ناسیونالیسم و نیروهای ناسیونالیستی کرد در منطقه است. *

چه کسانی مالیات می دهند؟

بهورز مهرآبادی



شرکت های بزرگ توسط شبکه ای از ژورنالیست های با وجدان بار دیگر افشاگر حقه بازی ها و ادعاهای نمایندگان سرمایه داری است که کارکرد جامعه را محصول مالیات های پرداخت شده توسط شرکتهای بزرگ و اغنیا قلمداد می کنند. این شرکتهای برای نپرداختن مالیات به راحتی قادرند در يك کشور دیگر خود را ثبت کنند، وکلای خبره در اختیار بگیرند و از راههای کاملاً قانونی از پرداخت مالیات بگریزند. راههای فرار از پرداخت مالیات خود يك موضوع درس دانشگاهی است.

يك نگاه كوچك به ارقام ارائه شده در این اسناد نشان میدهد که کارگران و زحمتکشان و اکثریت حقوق بگیران علاوه بر اینکه تولید کننده ثروت های بزرگ برای يك اقلیت ناچیز هستند، باید بیشترین مالیات را بپردازند و هزینه اداره امور کشور، ارتش و نظام قضائی، حقوق های گزاف مقامات دولتی و نمایندگان مجلس و مدیران و دزدی ها و اختلاس های مقامات مختلف دولتی از محل مالیات های آنها و احیاناً تعدادی شرکت های كوچك، تامین میشود. این اسناد بیش از هر چیز نقش انگلی سرمایه داران و پوسیدگی و کشفات نظام سرمایه داری را نشان میدهد.

با گذشت يك هفته رسانه های سوئد دیگر از این افتضاح بزرگ مالیاتی، چیزی نمی گویند، اما تصاویر زنانی که در کنار در بزرگ فروشگاه آی ک و یا فروشگاه لوکس و مجلل محصولات شرکت اپل به گدائی مشغولند، گزارش هایی که وضعیت زندگی اسفبار آنها و کودکانشان در سرما و بدون کمترین امکانات زندگی را بیان می کند و تفسیر های مضمئز کننده ای که در مورد خدشه دار شدن چهره شهر ها در این رسانه ها فراوان منتشر می شود، خود پرونده کثیف دزدی های هزاران میلیاردی این شرکت ها و دلیل اصلی فقر و فلاکت و نابرابری را برای هر انسان شریف و باوجدانی یادآوری می کند.*

تامین کنند. و بر اساس آمار رسمی با توجه به ثروتمند تر شدن این میلیاردها در سالهای اخیر این درصد را باید کمتر فرض کنیم. احماقانه است که تصور کنیم مقامات دولتهای سوئد و سایر کشورها از درآمد کمپانی های شرکت های بزرگ بیخبر بوده و از میزان مالیاتی که این شرکتهای می پردازند اطلاعی ندارند. همانطور که سیاستمدار "باشرف" و مفتخر به نشان لژیون دونور آقای ژان کلود یونکر، اظهار داشته است، عدم پرداخت

اتحادیه اروپا وجود ندارد و خواستار کاهش بیشتر مالیات برای شرکتهای و سرمایه داران در اتحادیه اروپا شد. بر اساس آمار های رسمی میزان فرار مالیاتی شرکتهای مختلف در اتحادیه اروپا هر سال به هزار میلیارد یورو بالغ میشود. برای مقایسه و داشتن تصویری بهتر کافی است به گزارش مشترک بانک جهانی، یونسکو و چند سازمان دیگر در سال ۱۹۹۸ مراجعه کنیم. در این گزارش آمده است که با سرمایه گذاری سالانه ۸۰ میلیارد دلار

مثال در حالی که مالیات شرکتهای در آمریکا ۳۵ درصد است شرکت اپل از طریق لوکزامبورگ فقط يك و نیم درصد مالیات می پردازد. افشای این افتضاح مالیاتی با بی تفاوتی مقامات سوئد و سایر کشورهای اتحادیه اروپا روبرو شد. احزاب دست راستی با سکوت خود از مالیات گریزی شرکتهای بزرگ حمایت کردند. چند حزب متمایل به چپ بدون اینکه اعتراضی به دولتهای خود و به میلیاردها داشته باشند، کمی غرولند کردند و خواستار

گزارش ها و تصاویر از رومانیایی هایی که در معابر شهرها و فروشگاههای سوئد دست نیاز و گدائی دراز کرده اند، چندین ماه است که موضوع مهم مورد بحث در رسانه های سوئد است. اما افشای هزاران سند فرار شرکتهای بزرگ بین المللی از مالیات که هفته قبل انتشار یافت، بیش از یکی دو روز در فهرست اخبار این رسانه ها قرار نگرفت.

مقامات مالیاتی دولت لوکزامبورگ با بستن قراردادهای محرمانه به صدها شرکت بزرگ بین المللی کمک کرده اند تا از پرداخت مالیات فرار کنند. شبکه بین المللی ژورنالیست های محقق

The International Consortium of Investigative Journalists (ICIJ)

با افشای ۲۸۰۰۰ سند افشا کرده است که در بین سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ صدها شرکت بین المللی با توافق با مقامات مالیاتی دولت لوکزامبورگ و به شیوه های "قانونی" مالیاتی کمتر از يك درصد از سودهای هنگفت خود پرداخته اند و از این طریق هزاران میلیارد دلار به جیب صاحبان این شرکتهای بطور یقین به کیسه مقامات دولتی لوکزامبورگ سرازیر شده است. شرکت های بزرگی چون شرکت کامپیوتری اپل، فولکس واگن، نوشابه سازی پپسی، مواد غذایی هینز، شرکت آمازون، دوپچه بانک و همچنین شرکتهای معروف سوئدی نظیر اس ای بانک و شرکت آی ک آ در بین این ۳۴۳ شرکت بزرگ قرار دارند.

در حالی که مالیات بر شرکت در لوکزامبورگ تقریباً ۲۹ درصد است ولی در بسیاری از موارد این شرکتهای در توافق با مقامات مالیاتی این کشور مبلغی کمتر از يك درصد می پردازند. بطور



مالیات توسط این شرکت ها کاملاً قانونی است. قوانینی که مورد تأیید اتحادیه اروپا و سایر دولتهای اروپائی است. قوانینی که بر مبنای آن کارگر، معلم، پرستار و سایر زحمتکشان قبل از اینکه دستمزد خود را دریافت کنند، بخش زیادی از آنرا بعنوان مالیات پرداخته اند، قوانینی که بر اساس آن سن بازنشستگی افزایش میابد، دستمزدها پائین می آید و روز بروز از خدمات اجتماعی کاسته میشود. قوانینی که توسط طبقات حاکم در کشورهای مختلف وضع شده، مستقیماً از منافع آنها حمایت می کند. افشای اسناد فرار مالیاتی

(یعنی کمتر از ۶۵ میلیارد یورو) در عرض ده سال می توان درمان مناسب، آموزش مناسب، آب آشامیدنی و شرایط بهداشتی خوب برای همه ساکنین کره زمین تامین کرد.

Implementing the 20/20 Initiative: Achieving Universal Access to Basic Social Services, (1998)

طبق برآورد مجله فاربرس در Forbes Magazine ۲۰۰۸ این مبلغ معادل ۲۰ درصد ثروت ۱۱۴۰ نفر از مولتی میلیاردها در سال ۲۰۰۷ تخمین زده میشود. یعنی يك مالیات ۲۰ درصدی بر ثروت این تعداد از ثروتمندان در آن سال می توانست، برای تمام مردم جهان بهداشت و درمان مناسب

رای عدم اعتماد به ژان کلود یونکر رئیس فعلی کمیسیون اتحادیه اروپا شدند که تا سال ۲۰۱۳ به مدت ۱۸ سال نخست وزیر و وزیر امور مالی لوکزامبورگ بود. اما در مورد سکوت دولتها و مقامات مالیاتی کشورهای خودشان در مورد این کشفکاری آشکار خفقان گرفتند. اما آقای یونکر در موضعی تعرضی تاکید کرد که قوانین مالیاتی لوکزامبورگ غیرقانونی نیست اما احتمالاً همانند سایر کشورهای اتحادیه اروپا راههایی برای گریز از پرداخت مالیات وجود دارد. این بخاطر این است که هماهنگی در سیستم های مالیاتی کشورهای

حراج زنان و کودکان توسط داعش، اوج توحش اسلامی

فاضل نادری



میدان پیدا کند، وقتی مبارزه مردم را در مقابل خود نداشته باشد، وقتی که نیروی کمونیست و سکولار در برابرش نایستند، چه جهنمی می تواند برای مردم بوجود آورد. ظهور داعش نیروی جنایتکاری چون داعش و حمایت دولتهایی نظیر ترکیه و عربستان از آن معنای واقعی قوانین متحجر، زن ستیز و منفور اسلامی و انحطاط نظام سرمایه داری حاکم بر جهان را یادآوری کرد. در عراق و سوریه مردم سکولار و پیشرو در مقابل داعش ایستادند. جنبشی که علیه داعش در شهرهای مختلف ایران به راه افتاد تبلور نفرت مردم از قوانین ارتجاعی اسلام است و جمهوری اسلامی بدرستی خود را هدف شعارهای این جنبش تشخیص داد و مذبوحانه تلاش کرد تا مانع آن شود. اعتراضات گسترده ای که در جهان علیه داعش بوجود آمد، نشان داد که فقط سکولاریسم و انسانیت متمم می تواند علیه چنین نیرویی مبارزه کند و آنرا بعقب براند.*

ملاً عام حراج میکنند. گروه تروریستی، جنایتکار و آدمکش داعش اعلام کرده است: "ما مناسب دیدیم ضوابط و قیمت هایی برای فروش زنان و غنایم جنگی تعیین کنیم و به همین دلیل همه باید به این قوانین عمل کنند و کسانی که از این قانون تخلف کنند، به اعدام محکوم می شوند".

انتشار لیست قیمت های کودکان و زنان که از یک سال به بالا قیمت گذاری شده اند، موجی از انزجار و نفرت بوجود آورده است.

داعش قوانین و مقررات جدید و ابدعی را بر اسلام اضافه نمیکند بلکه چهره واقعی جنبش اسلامی را نشان میدهد که وقتی

جزو اجر و اجرت جنگ جویان محمد و برای تشویق آنها به جنگ علیه "کفار" بود.

داعش بعنوان بازمانده تفکر عقب افتاده اسلامی اینک میدان پیدا کرده تا در دنیایی کاملاً متفاوت توحش ۱۴ قرن پیش را تکرار میکنند. این جنایتکاران بدور از کوچکترین احساس و عواطف انسانی، به روستا ها شهرهای "کفار" (شیعیان، مسیحیان، یزیدیان و ایزدیهها) حمله کرده، خانه و کاشانه آنها را به آتش میکشند. مردان مقاوم را در میادین و خیابانها سر میبرند یا آنها را از پرتگاههای مرگ اورپرست کرده و میکشند. دختران و زنان آسیرو بی پناه را همچون متاع در

در عراق و شامات نامگذاری کرده اند.

تاریخ ثبت کرده و همگان میدانند پس از هجرت محمد از مکه به مدینه که قدرت سیاسی خود را پایه گذاری و حملاتش به مخالفین خود یعنی "کفار" را آغاز کرد، هر فرد یا قبیله ای را که تحت اوامر و سیطره او نرفت، به شدیدترین و شنیع ترین حد ممکن سرکوب و قلع و رقم کرد. لشگریان اسلام اموال مغلوبین را غارت کرده، خانه و کاشانه مخالفین خود را به آتش کشیده و از بین بردند. مردان را سر بریدند و با زنده بگور کردند. زنان و کودکان را به اسارت گرفته، و به تملک در آوردند. تصاحب و تجاوز به این اسرای بی دفاع و بی پناه،

داعش این نوادگان پیامبر اسلام و مجریان قوانین انسان ستیز اسلام و محمد، پس از ۱۴ قرن از عروج اسلام، اینک در قرن ۲۱ در دنیای کاملاً متفاوت از دوران محمد، بردگان خود را در بازار مکاره به حراج گذاشته است!

این جنایتکاران متعلق به دوران بربریت، این وحشی های کفتار صفت، این تفاله های پس مانده قرون وسطی این میراث داران اصیل دوران حکومت محمد و قداره کش های او، پس از ۱۴۰۰ سال سر از گور برداشته اند تا کارهای محمد در غزوات وی، حملات او یاران قداره کش اش در حمله به کسانی که اوامر و قوانین اسلام را نمی پذیرفتند، تکرار کنند و اسم خود را دولت اسلامی

بهنام ابراهیم زاده در وضعیت جسمانی نگران کننده ای قرار دارد فرزند بهنام در بیمارستان است و او باید کنار فرزندش باشد

اطلاعیه شماره ۲۰۳

شهر، شرایط برای خانواده بهنام و فرزند بیمارش به دلیل دوری راه و هزینه های رفت و آمد، سختتر شده و در این مدت موفق به ملاقات با بهنام نشده اند. به این ترتیب جانیان اسلامی بهنام و همسرش زبیده حاجی زاده و پسرش نیما را زیر فشار و شکنجه و آزار قرار داده اند. بهنام باید فوراً آزاد و تحت درمان و مداوا قرار گیرد. او باید کنار فرزند و خانواده اش باشد.

بهنام ابراهیم زاده به اتهام مبارزاتش در دفاع از حقوق کارگر، کودک و دفاع از انسانیت ۵ سال حکم زندان دارد و در حال گذراندن پنجمین سال حبس خود است.

همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۲ آبان ۱۳۹۳

۱۳ نوامبر ۲۰۱۴

Shahla_daneshfar@yahoo.com
siyavesazeri@hotmail.com
http://free-them-now.com

داده است و طبق گزارش کمیته دفاع از شاهرخ زمانی، بهنام چند سالی است که نوبت جراحی دارد، اما علیرغم اصرار خانواده اش همچنان با ممانعت مسئولین روبرو است و سلامتی او به شدت در خطر است. محرومیت زندانیان سیاسی از دارو و درمان بخشی از شکنجه زندانیان و جنایت رژیم اسلامی در زندانهاست. باید وسیعاً به این موضوع اعتراض کرد.

جدا از وضعیت خود بهنام، فرزند او نیما بدلیل ابتلا به بیماری سرطان تحت درمان است و شنبه ۱۷ آبان ماه، برای چندمین بار و در ادامه روند شیمی درمانی خود در بیمارستان بستری شد. نیما هر بیست روز یکبار به مدت هفت روز باید به بیمارستان منتقل شود و تحت شیمی درمانی و مراقبت پزشکی قرار گیرد. بعد از جریان حمله وحشیانه رژیم به بند ۳۵۰ اوین و انتقال بهنام به سلول انفرادی و پرونده سازی برای وی به اتهام ارتباط با احمد شهید و فعالیت تبلیغی از داخل زندان، و انتقالش به زندان رجایی

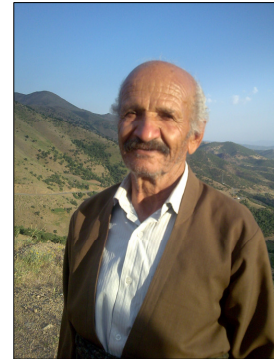
به گزارش منتشر شده از سوی کمیته دفاع از شاهرخ زمانی، بهنام ابراهیم زاده از رهبران شناخته شده کارگری و عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری در وضعیت جسمانی نگران کننده ای قرار دارد.

همانطور که در جریان قرار دارید، بهنام ابراهیم زاده در جریان یورش وحشیانه به بند ۳۵۰ اوین مورد ضرب و شکنجه قرار گرفت. بعد از آن او به سلولهای انفرادی ۲۰۹ اوین انتقال یافت و صد روز تمام زیر فشار بازجویی و شکنجه قرار داشت، و آخر سر هم وقتی که او را به زندان رجایی شهر انتقال دادند، ۲۵ روز تمام در اعتصاب غذا بود که ۴ روز آن اعتصاب خشک بود. تا اینکه مقامات مسئول زیر فشار این اعتراضات و کارزاری جهانی ناگزیر او را به بند ۱۲ سیاسی انتقال داد. این آزارها و شکنجه ها بهنام را در وضعیت جسمی بدی قرار

محمد مولانایی از فعالین کارگری در مهاباد آزاد شد اذیت و آزار محمد جراحی در زندان تبریز

اطلاعیه شماره ۲۰۴

محمد مولانایی آزاد شد، آزادی او را
تبریک میگوییم



دیگری کارگری شناخته شده در این شهر یوسف آب خرابات و واحد سیده دو تن دیگر از اعضای کمیته هماهنگی با همان جرم دستگیر و دو سال محکومیت داشته و همچنان در بازداشت بسر میبرند. این کارگران در برابر بازجویی های انجام شده، از حق تشکل و عضویت خود در این کمیته دفاع کردند. همچنین این احکام با اعتراضات بسیاری روبرو شد و با تلاش خانواده و همکارانشان کمیته ای در دفاع از این کارگران در شهر مهاباد ایجاد شد.

اذیت و آزار محمد جراحی از فعالین
کارگری شناخته شده در زندان تبریز
طبق خبری منتشر شده از سوی کمیته



ساعت ۹ صبح روز شنبه ۱۰ آبان محمد مولانایی از فعالین کارگری سرشناسی در مهاباد با اتمام دوره محکومیت یکساله خود از زندان آزاد شد. آزادی محمد مولانایی را به او و به خانواده، بستگان و همگان تبریک میگوییم. محمد مولانایی به اتهام عضویت در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری محکوم به زندان شده بود. همراه با او دو فعال

پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری در ۱۵ آبانماه، اخبار زندانبانان بند۸ زندان تبریز با حضور ناگهانی، زندانبانان را از بند خارج میکنند. زندانبان هنگامیکه علت را پرس و جو میشوند، باهجوم وتوهین و ضرب شتم نگهبانان روبرو میشوند. در برابر این یورش وحشیانه زندانبان نیز مقاومت میکنند. تا اینکه نگهبانان موفق میشوند زندانبانان را از بند اخراج کرده و به جستجوی بند میپردازند. در آخر هم کلیه وسایل شخصی و ضروری محمد جراحی را با خودشان میبرند.

حمله به بند زندانبان، تجسس وسائل آنان و توهین و آزار آنان بخشی از فشار و شکنجه بر روی زندانبان سیاسی است. اخبار این جنایات را وسیعاً رسانه ای کنیم. حمایت گسترده خود را از زندانبان سیاسی اعلام کنیم.

همه کارگران زندانی و زندانبان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۲ آبان ۱۳۹۳

۱۳ نوامبر ۲۰۱۴

Shahla_daneshfar@yahoo.com
siyavesazeri@hotmail.com
http://free-them-now.com



ژورنال روزانه را بخوانید!
ژورنال همه روزه بجز جمعه ها
منتشر می شود

سایت ژورنال: journal-ruzaneh.com
ایمیل ژورنال: journal.ruzaneh@gmail.com

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پلاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.
برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

http://www.glwiz.com/

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com